ج) قاعده ابعد از عامه منحصر در روایات مدائح اعداء الله

> **و ليس لقائل أن يقول: إنّه قريب من قول العامّة، بعيد من قول الخاصّة؛ لأنّ العامّة تذهب إليه و لا لقائل أن يقول: إنّه بعيد من قول العامّة، قريب من قول الخاصّة؛ لأنّ جمهور الخاصّة يذهبون إليه، و إنّما المعنى في قولهم: «خذوا بأبعدهما من قول العامّة» يختصّ روي عنهم في مدائح أعداء الله، و الترحّم على خصماء الدين و مخالفي الإيمان، فقالوا: «إذا أتاكم عنّا حديثان مختلفان، أحدهما في تولّي المتقدّمين على أمير المؤمنين عليه السلام، و الآخر في التبرّي منهم، فخذوا بأبعدهما من قول العامّة»؛ لأنّ التقيّة تدعوهم بالضرورة إلى مظاهرة العامّة بما هبون إليه من أئمّتهم و ولاة أمرهم، حقنا لدمائهم، و ستارا على شيعتهم.[1]**

«و ليس لقائل أن يقول: إنّه قريب من قول العامّة، بعيد من قول الخاصّة؛ لأنّ العامّة تذهب إليه»؛ خلاصه عامه سراغ رؤیت رفته‌اند. عدد نیست. پس قول شاذ اقرب است.

«و لا لقائل أن يقول: إنّه بعيد من قول العامّة، قريب من قول الخاصّة؛ لأنّ جمهور الخاصّة يذهبون إليه»؛ یعنی معظم علماء خاصه به سمت رؤیت رفته‌اند. نه به روایات عدد.

«و إنّما المعنى في قولهم: «خذوا بأبعدهما من قول العامّة» يختصّ روي عنهم في مدائح أعداء الله»؛ این هم یک ضابطه ای از زبان شیخ مفید است. می‌گویند همه جا اینطور نیست که وقتی دو روایت در فروع فقهیه آمد شما بگویید برو فتوای آنها را نگاه کن و ابعد را بگیر. می‌گویند آن دو روایتی که آمد، نگاه کن، فرهنگ را نگاه کن، مذاق و ادبیات را ببین، اگر یک چیزی موافق با آنها در مدائح اعداء الله است که خیلی هم از معصومین تقیه صادر شده، اینها را کنار بگذاری. این ربطی به مانحن فیه ندارد. بعد هم یک نتیجه خیلی خوبی می‌گیرند. اینها را برای این خواندم:

«و الترحّم على خصماء الدين و مخالفي الإيمان»؛ روایاتی هست که بر آنها ترحم کرده‌اند. می‌گویند نگاه کن اگر موافق با نظر آنها است، کنار بگذار. آن روایتی که از نزد ما به‌صورت خصوصی به دست شما می‌رسد را بگیر.

«فقالوا: «إذا أتاكم عنّا حديثان مختلفان، أحدهما في تولّي المتقدّمين على أمير المؤمنين عليه السلام، و الآخر في التبرّي منهم، فخذوا بأبعدهما من قول العامّة»؛ در کافی شریف هست؛ آن زن به آقا عرض کرد: شما گفتید من تولی این دو را داشته باشم. فردای قیامت به خداوند می‌گویم جعفر بن محمد (ع) اینطور به من گفت. حضرت فرمودند خیالت جمع

باشد. فردای قیامت همین را به خدا بگو. زن هم رفت. بعد از اینکه بیرون رفت، حضرت آن جمله را گفتند. اهلسنت هم در سایت هایشان ببینید؛ همین قسمت کافی را میآورند، دنباله اش که میگوید وقتی آن خانم بیرون رفت حضرت چه گفتند را حذف میکنند! میگویند در کافی شما هست. حضرت فرمودند خاطرت جمع باشد، فردا به خدا بگو «اتولیهما بقول الامام الصادق». مکرر دیدم که این قسمت را حذف میکنند. چون حضرت دنباله اش توضیح میدهند که وجه تقیه چه بوده و چرا فرمودند.

یک کتابی دارند که در سایتهای اهلسنت هست. من خیلی وقت پیش دیدم. تازهگی ندیدم. «مناظره امام صادق (ع) با رافضي به نقل اهلسنت». در فدکیه گذاشتهام. خودشان نقل کردهاند. امام صادق علیهالسلام با کسی که اعتقاد شیعه دارد بحث میکنند. حرفهایی که شیعه میگوید را امام در میکنند. خب وقتی این حدیث را میبینید شما میفهمید در اینجا حضرت چه میگویند و استدلالشان به چه صورت است. شیخ مفید میگویند: «أحدهما في تولّي المتقدّمين علی أمير المؤمنين عليه السلام، و الآخر في التبرّي منهم، خذوا بأبعدهما من قول العامّة».

«لأنّ التقيّة تدعوهم بالضرورة إلى مظاهرة العامّة بما يذهبون إليه من أئمّتهم و والاة أمرهم، حقن لدمائهم، و ستر علی شيعتهم»؛ حاج آقا مکرر میگفتند. عباراتی یادم هست که در این جهت چه زمانهایی بوده و چه انواعی از تقیه ها بوده. بسیار هم لطافت دارد.

شاگرد: اینجا دیگر ابعدیت ندارد. چون اگر مدح بوده ما قبول نداریم و اگر ترحمی بوده ما قبول نداریم. وجه تفضیل را متوجه نمیشوم.

استاد: کلمه «بعد» و «قرب» به برداشت ها و به معانی مربوط میشود و به وجوه صغروی ای که کلام میخواهد در خارج منطبق شود. نزدیک و دور بودن چیزی نیست که نقطهای باشد. شما میگویید این نزدیک است و این دور است. چرا؟ چون یک بحثی که مطرح میشود وجوه مختلف دارد. احادیثی هم که مختلف میآید ممکن است چند جهت در آنها باشد. حضرت میگویند ابعد را بگیر. در این فضای ابعدیت مثالهای خیلی جالبی در روایات هست. بعضی از آنها را عرض کردم.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 11:28:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 11:34:30 توسط ... .